

استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران): یک تحلیل تجربی (۱۹۹۰-۱۹۹۸)

دکتر احمد جعفری صمیمی*

نوشین احمدی**

چکیده

در زمینه موضوع استقلال بانک مرکزی در کشورهای مختلف دیدگاه‌های گوناگون و متضادی وجود دارد. گروهی از اقتصاددانان، به خصوص در کشورهای پیشرفته آن را به عنوان شرط اساسی عملکرد مطلوب اقتصاد کلان می‌دانند و در برخی موارد مانند عضویت در منطقه پول واحد اروپایی (یورو) موضوع استقلال بانک مرکزی کشورها را به عنوان یک پیش شرط قلمداد نموده‌اند. در مقابل، گروهی از اقتصاددانان منافع ناشی از یک بانک مرکزی مستقل را مورد تردید قرار داده‌اند. در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از اطلاعات آماری ۴۵ کشور در حال توسعه (از جمله ایران) رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی (شاخص قانونی) و عملکرد اقتصاد کلان این کشورها در فاصله سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۸ مورد بررسی و آزمون قرار گیرد. نتایج مقاله حاضر نشان می‌دهد که یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند ضمن کاهش نرخ تورم و کسری بودجه در اقتصاد، از آثار نامطلوب ناشی از مالیات تورمی بکاهد و به افزایش تولید و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمک کند. بنابراین به منظور بهبود عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه، پیشنهاد می‌شود که موضوع استقلال بانک مرکزی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

استقلال بانک مرکزی، تورم، کسری بودجه، کشورهای در حال توسعه.

* استاد دانشگاه مازندران.

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.

۱- مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در سالهای اخیر موضوع بحث بسیاری از اقتصاددانان در کشورهای مختلف می‌باشد و در تدوین قوانین پولی و بانکی برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است موقعیت بانک مرکزی و میزان ارتباط آن با دولتهاست. کشورهای زیادی تصویب لوایح قانونی را به منظور کاهش کنترل دولت بر بانکهای مرکزی گسترش داده و یا آن را به تصویب رسانده‌اند.^(۱) موضوع استقلال بانک مرکزی اخیراً مباحث اقتصادی - سیاسی را در بسیاری از کشورهای جهان به وجود آورده است. در دوره زمانی ۱۹۸۹-۱۹۹۱ کشورهای شیلی، زلاندنو و کانادا قوانینی وضع کردند که استقلال بانکهای مرکزی آنها را افزایش داد.^(۲) موافقتنامه ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا (پیمان ماستریخت) اعضای جامعه اروپا را مکلف نمود که به عنوان بخشی از اتحادیه پولی اروپا، به بانکهای مرکزی خود استقلال دهند به گونه‌ای که موضوع استقلال بانک مرکزی شرط اساسی ورود کشورها به اتحادیه پولی اروپا و عضویت در منطقه پول واحد اروپایی (یورو) بوده است.^(۳)

این تغییرات و تحولات در جهت اعطای استقلال بیشتر به بانکهای مرکزی و اختلاف زیاد درجات استقلال بانکهای مرکزی در میان اقتصاددانان بزرگ سؤالات گوناگونی را به شکل زیر مطرح می‌کند:

۱- چرا ایده یک بانک مرکزی مستقل عمومیت یافته است؟

۲- چه رابطه‌ای بین درجه استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصادی وجود دارد؟ در این مقاله سعی شده است با ارائه یک روش تحلیلی راجع به استقلال بانک مرکزی با بررسی مطالعات تجربی گذشته و انجام آزمونهای جدید واقعیت امر بررسی گردد.

بخش دوم مقاله، مروری بر مبانی نظری موضوع و مطالعات انجام شده خواهد داشت. در بخش سوم، روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات مورد بحث قرار می‌گیرد. سرانجام بخش پایانی مقاله حاضر به آزمون فرضیه‌ها، برآورد الگو و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- مروری بر مبانی نظری موضوع و مطالعات انجام شده

هدف اساسی از ایجاد یک بانک مرکزی مستقل، کنترل تورمهای پایدار و کاهش نوسانات سطح عمومی قیمتها و جلوگیری از آثار نامطلوب تورم در اقتصاد می‌باشد. به طور کلی استقلال بانکهای مرکزی، به دلایل زیر می‌تواند مورد توجه باشد:

۱- یک بانک مرکزی مستقل که از فشارهای سیاسی آزاد باشد، در اتخاذ سیاستهای خود آینده‌نگری بیشتری دارد و ضمن استمرار در سیاستها، روشهایی را دنبال می‌کند که نتیجه آن افزایش ثبات اقتصادی و کاهش ریسکهای سرمایه‌گذاری از طرق تثبیت نرخهای واقعی بهره و قیمتها در اقتصاد می‌باشد. این موضوع باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران دیدگاه شفاف و روشنی از وضعیت آتی اقتصاد داشته باشند.

۲- یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند ادوار تجاری را با نوسانات شدید در اقتصاد کشورها کاهش دهد. چنانچه دولتها بر سیاستهای بانک مرکزی نفوذ داشته باشند، ممکن است از سیاست پولی جهت نیل به اهداف کوتاهمدت خود استفاده کنند. در بسیاری از موارد نتیجه این نوع سوء استفاده‌ها از سیاست پولی به تشدید تورم منجر شده است و اهداف رشد اقتصادی و اشتغال بلندمدت را به خطر انداخته است.

۳- اعطای استقلال باعث اعتبار بانک مرکزی و افزایش شهرت سیاستگذاران در اقتصاد می‌شود. هرچه شهرت و اعتبار بانک مرکزی افزایش یابد، در این صورت ناهماهنگی بین سیاستهای بانک مرکزی و انتظارات مردم کاهش می‌یابد و در نتیجه هزینه‌های ناشی از تأخیر در انطباق انتظارات مردم با سیاستهای پولی کمتر می‌شود.^(۴)

۴- مسأله مهمی که به خصوص در کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد مسأله کسری بودجه دولتها و تأمین مالی آن است. در اکثر این کشورها عموماً مبنا و پایه‌های درآمدهای دولت محدود و ضعیف است و بازارهای پولی و مالی گسترده‌ای وجود ندارد و بانک مرکزی به مفهوم «آخرین وام‌دهنده»^(۵) شناخته نشده است. بنابراین این گونه دولتها، برای تأمین هزینه‌های خود که اغلب جاری و غیرمولد می‌باشد به بانکهای مرکزی متوسل شده و معمولاً این بانکها

چاره‌ای جز تأمین کسری بودجه ندارند.^(۶) لذا کسری بودجه دولت سبب می‌شود که تخصیص اعتبارات به بخش خصوصی و یا بخشهای واقعی اقتصاد کاهش یابد. این امر به نوبه خود کاهش میزان تولید و افزایش قیمت‌ها را در بلندمدت به دنبال خواهد داشت.

۵- از طرفی روش تأمین مالی فوق که در واقع استفاده از درآمد حق‌الضرب^(۷) (انتشار اسکناس) می‌باشد، منجر به افزایش سطح قیمت‌ها و افزایش مالیات تورمی می‌گردد. بنابراین برخلاف نظام مالیات بر درآمد بار ناشی از مالیات تورمی بر دوش افراد کم‌درآمد و یا درآمد ثابت سنگینی خواهد کرد.^(۸)

۶- وجود گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی در کشورهای در حال توسعه قابل توجه است و آنها می‌توانند با شیوه‌های مختلف، سیاست پولی را تحت تأثیر قرار دهند و حتی در بعضی اوقات جهت این سیاستها را عوض کنند.^(۹) استقلال بانک مرکزی می‌تواند باعث کاهش و حذف سیاستهای اعتباری دستوری و وامهای تکلیفی شود.



جدول شماره ۱. مطالعات انجام شده در زمینه رابطه استقلال بانک مرکزی و تولید،

تورم و کسری بودجه

محققین	کشورها	سال	نتیجه مطالعه
۱	۱۲ کشور OECD	۱۹۸۵	استقلال یک عامل تعیین کننده تورم
۲	۱۲ کشور OECD	۱۹۸۷	رابطه منفی استقلال و کسری در بلندمدت
۳	۵ کشور صنعتی	۱۹۸۸	رابطه منفی کسری و استقلال
۴	۱۸ کشور OECD	۱۹۹۱	رابطه منفی استقلال با تورم و کسری بودجه
۵	۱۸ کشور OECD	۱۹۹۲	رابطه مستقیم رشد تولید و استقلال
۶	۷۲ کشور	۱۹۹۲	رابطه منفی استقلال و تورم
۷	گروهی از کشورهای صنعتی و در حال توسعه	۱۹۹۳	رابطه منفی استقلال و تولید در کشورهای در حال توسعه
۸	۱۶ کشور صنعتی	۱۹۹۳	رابطه منفی بین استقلال و تورم اما بین استقلال و تولید رابطه‌ای مشاهده نشد.
۹	۷۰ کشور در حال توسعه	۱۹۹۸	رابطه منفی استقلال و کسری بودجه
۱۰	۳۰ کشور صنعتی و در حال توسعه	۱۹۹۸	رابطه منفی استقلال و کسری بودجه

Alesina, Summers (1993) – Cukierman, Webb, Neyapti (1992) – Pollard (1993) – Fry (1988) – Sikken, Hann (1998)

جدول شماره (۱) به طور خلاصه مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف جهان را درباره استقلال بانک مرکزی با تولید، کسری بودجه و نرخ تورم نشان می‌دهد. همان طوری که از اطلاعات موجود در این جدول ملاحظه می‌شود اغلب تحقیقات انجام شده استقلال بانک مرکزی با تورم و کسری بودجه رابطه منفی و در مقابل بین استقلال بانک مرکزی و تولید رابطه مستقیم را تأیید کرده‌اند. برای مثال: گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) (Grilli, Masiciandaro and Tabellini) بررسی فوق را برای هجده کشور عضو همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) انجام دادند. دو شاخص برای استقلال بانک مرکزی ایجاد کردند: یکی براساس معیارهای اقتصادی و دیگری

براساس معیارهای سیاسی استقلال. آنان به این نتیجه رسیدند که استقلال بانک مرکزی با تورم رابطه منفی دارد؛ هر چند که این رابطه از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. همچنین آنها با استفاده از شاخص‌های پیشنهادی نتیجه گرفتند که استقلال رابطه سیستماتیک با نرخ رشد تولید واقعی نداشته است. علاوه بر این در زمینه رابطه بین درجه استقلال مالی بانکهای مرکزی و تورم بید و پارکین نتیجه گرفتند که استقلال عامل تعیین کننده مهمی برای تورم در دوره بعد از برتون و دز نبوده است. همچنین آلسینا و سامرز هیچ‌گونه همبستگی بین میانگین رشد اقتصادی یا نوسانات آن و سطح استقلال بانک مرکزی در کشورهای مورد بررسی مشاهده نکردند. در زمینه عدم ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و رشد تولید، کوکرمین و سامرز نشان دادند که در کشورهای صنعتی نرخ رشد اقتصادی حتی پس از کنترل عوامل ساختاری که احتمالاً بر روی رشد اثر دارد، با استقلال بانک مرکزی بی‌ارتباط بوده است. عواملی که آنها در الگوی مورد نظر خود وارد نمودند شامل سطح اولیه تولید ناخالص داخلی، نرخ ثابت نام اولیه در مقطع ابتدایی و متوسط و تغییرات رابطه مبادله کشورها بوده است. در عوض، در مورد رابطه بین استقلال بانک مرکزی با استفاده از نرخ جابه‌جایی رؤسای بانک مرکزی به عنوان شاخص استقلال، در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیدند که استقلال بانک مرکزی با رشد اقتصادی این کشورها رابطه مثبت داشته است. بنابراین نتایج تحقیقات تجربی در زمینه رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی با متغیرهای عمده اقتصاد کلان نشان می‌دهد که هنوز در این مورد ابهاماتی وجود دارد و یک رابطه معین و قطعی نمی‌توان ارائه کرد.

۳- روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

هدف مقاله حاضر بررسی رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌باشد. به منظور برآورد الگوهای مورد نظر از اطلاعات سالنامه آمارهای مالی بین‌المللی^(۱۰) در دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۸ استفاده شده است.

لازم به توضیح است که شاخص‌های متفاوتی جهت محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی وجود دارد.^(۱۱) هر یک از این شاخص‌ها بر روی زمینه‌های متفاوتی

از استقلال تمرکز یافته‌اند. در تحقیق حاضر از شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی استفاده شده است. در سنجش قانونی استقلال بانک مرکزی چهار گروه از متغیرها مورد توجه قرار گرفته‌اند:

- الف. متغیرهای مربوط به انتصاب، اخراج و دوره خدمت رئیس کل بانک مرکزی.
 ب. متغیرهای مربوط به حل اختلاف بین قوه اجرایی و بانک مرکزی درباره سیاست پولی و شرکت بانک مرکزی در امر تدوین بودجه.
 ج. اهداف نهایی بانک مرکزی بگونه‌ای که در اساسنامه عنوان شده.
 د. محدودیتهای قانونی در اعطای وام به بخش عمومی از طرف بانک مرکزی.
 برای چهار گروه متغیرهای فوق براساس شانزده عامل در مقیاسی بین صفر (کمترین سطح استقلال) و یک (بالاترین سطح استقلال) امتیاز داده شده است. شاخص استقلال از مجموع امتیاز حاصل از چهار گروه متغیرهای فوق محاسبه شده است. (۱۲)

جدول شماره (۲) اطلاعات مربوط به شاخص استقلال قانونی ۴۵ کشور در حال توسعه و ایران را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. رتبه‌بندی کشورهای در حال توسعه بر مبنای شاخص استقلال بانک مرکزی (۱۹۹۸-۱۹۹۰)

ردیف	کشور	شاخص استقلال قانونی	شاخص استقلال واقعی* (رتبه)
۱	یونان	۰/۵۵	۰/۱۸ (۱۱)
۲	مصر	۰/۴۹	۰/۳۱ (۲۸)
۳	کاستاریکا	۰/۴۷	۰/۵۸ (۴۲)
۴	شیلی	۰/۴۶	۰/۴۵ (۴۰)
۵	ترکیه	۰/۴۶	۰/۴۰ (۳۷)
۶	نیکاراگوئه	۰/۴۵	۰/۳۵ (۳۳)
۷	مالت	۰/۴۴	۰/۲۸ (۲۶)
۸	تانزانیا	۰/۴۴	۰/۱۳ (۵)

* نرخ جا به جایی رؤسای بانک مرکزی به عنوان تقریب برای استقلال واقعی بانک مرکزی در نظر گرفته شده است.

ادامه جدول شماره ۲. رتبه‌بندی کشورهای در حال توسعه بر مبنای شاخص استقلال
بانک مرکزی (۱۹۹۸-۱۹۹۰)

ردیف	کشور	شاخص استقلال قانونی	شاخص استقلال واقعی (رتبه)
۹	کنیا	۰/۴۴	(۱۰) ۰/۱۷
۱۰	فیلیپین	۰/۴۳	(۴) ۰/۱۳
۱۱	پرو	۰/۴۳	(۳۰) ۰/۳۳
۱۲	پرتغال	۰/۴۱	(۱۹) ۰/۲۰
۱۳	آرژانتین	۰/۴۰	(۴۴) ۰/۹۳
۱۴	اتیوپی	۰/۴۰	(۱۶) ۰/۲۰
۱۵	لبنان	۰/۴۰	(۱۳) ۰/۱۹
۱۶	اسرائیل	۰/۳۹	(۷) ۰/۱۴
۱۷	اوگاندا	۰/۳۸	(۳۲) ۰/۳۴
۱۸	نیجریه	۰/۳۷	(۱۴) ۰/۱۹
۱۹	مالزی	۰/۳۶	(۶) ۰/۱۳
۲۰	مکزیک	۰/۳۴	(۹) ۰/۱۵
۲۱	هند	۰/۳۴	(۲۹) ۰/۳۳
۲۲	بوتسوانا	۰/۳۳	(۳۸) ۰/۴۱
۲۳	زامبیا	۰/۳۳	(۳۶) ۰/۳۸
۲۴	غنا	۰/۳۱	(۲۷) ۰/۲۸
۲۵	رومانی	۰/۳۰	(۲۷) ۰/۲۰
۲۶	بولیوی	۰/۳۰	(۳۱) ۰/۳۴
۲۷	چین	۰/۲۹	(۳۱) ۰/۳۴
۲۸	سنگاپور	۰/۲۹	(۳۴) ۰/۳۷
۲۹	کره	۰/۲۷	(۳۹) ۰/۴۳
۳۰	اندونزی	۰/۲۷	(۲۱) ۰/۲۳
۳۱	کلمبیا	۰/۲۷	(۱۷) ۰/۲۰
۳۲	تایلند	۰/۲۷	(۲۰) ۰/۲۰
۳۳	آفریقای جنوبی	۰/۲۵	(۲) ۰/۱
۳۴	مجارستان	۰/۲۴	(۱۲) ۰/۱۸
۳۵	اروگوئه	۰/۲۴	(۴۱) ۰/۴۸

ادامه جدول شماره ۲. رتبه‌بندی کشورهای در حال توسعه بر مبنای شاخص استقلال بانک مرکزی (۱۹۹۸-۱۹۹۰)

ردیف	کشور	شاخص استقلال قانونی	شاخص استقلال واقعی (رتبه)
۳۶	پاناما	۰/۲۲	۰/۲۴ (۲۳)
۳۷	ایران	۰/۲۲	۰/۳۸ (۳۵)
۳۸	پاکستان	۰/۲۱	۰/۲۵ (۲۴)
۳۹	برزیل	۰/۲۱	۰/۶۸ (۴۳)
۴۰	تایوان	۰/۲۱	۰/۱۳ (۳)
۴۱	زیمبابوه	۰/۲۰	۰/۱۵ (۸)
۴۲	قطر	۰/۲۰	۰/۰۶ (۱)
۴۳	نپال	۰/۱۸	۰/۲۴ (۲۲)
۴۴	مراکش	۰/۱۴	۰/۲۰ (۱۵)
۴۵	لهستان	۰/۱	۰/۲۸ (۲۵)

شاخص فوق برای سالهای ۱۳۳۹-۱۳۷۸ محاسبه شده است. برای توضیح بیشتر رجوع شود به یادداشت شماره ۱۳. منبع: محاسبات تعدیل شده محقق و کوکرم (۱۹۹۲)

لازم به توضیح است که درجه بالای استقلال قانونی لزوماً دلالت بر درجه بالای استقلال واقعی ندارد. به عبارت دیگر، عوامل دیگری مانند روابط غیررسمی بانک و دولت، خصوصیات مسؤولین اجرایی مهم بانک و غیره استقلال واقعی بانک مرکزی را نشان می‌دهد. اندازه‌گیری درجه واقعی استقلال به مراتب مشکل‌تر از درجه قانونی آن است و شاخصی به صورت تقریب برای استقلال واقعی در مقابل شاخص قانونی معرفی شده است که در آن درجه استقلال با توجه به فراوانی تغییر رئیس کل بانک مرکزی محاسبه می‌شود. این شاخص بر این فرض استوار است که تعویض سریع‌تر رؤسای بانک مرکزی نشانه میزان استقلال کمتر است. اگر قدرتهای سیاسی به طور مداوم اقدام به تغییر ریاست بانک کنند سطح استقلال بانک کمتر خواهد بود. تعویض مداوم، انتظار سیاستهای بلندمدت را به شدت می‌کاهد^(۱۴) جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که رتبه‌بندی استقلال بانک مرکزی براساس شاخص نرخ جا به جایی متفاوت از شاخص قانونی استقلال می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی دو شاخص

استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در ... ۱۲۲

برای کشورهای مورد بررسی برابر ۰/۱۱ می‌باشد که این امر خود دلالت بر همبستگی ضعیف دو شاخص دارد و ابهامات موجود در مورد انتخاب یک شاخص معین را نشان می‌دهد.

به منظور برآورد رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان از الگوی رگرسیون زیر در تحقیق حاضر استفاده شده است:

$$y_i = \alpha + \beta x_i + u_i$$

که در آن x_i شاخص استقلال بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه مورد نظر به عنوان متغیر مستقل الگو و y متغیر عملکرد اقتصاد کلان که در تحقیق حاضر، نرخ تورم، کسری بودجه، تولید ناخالص داخلی و مالیات توری را شامل می‌گردد و u_i جمله پسماند الگو می‌باشد.

لازم به توضیح است که در مطالعات تجربی مربوط به بررسی رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی و متغیرهای عمده اقتصاد کلان در برخی موارد به دلیل اجتناب از مشکل هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی (مستقل) در الگوهای اقتصادسنجی از الگوهای رگرسیون ساده استفاده شده است. برای مثال سایکن و هان (Sikken & Haan 1998) نیز با برآورد الگوی رگرسیون ساده رابطه بین شاخص‌های متعدد استقلال بانک مرکزی و مازاد بودجه دولت را مورد بررسی قرار دادند. در تحقیق حاضر نیز به همین دلیلی از الگوهای رگرسیون ساده استفاده شده است. علاوه بر این ضریب تعیین (R^2) بالا در نتایج برآورد الگوهای رگرسیون ساده ($R^2 > 0/95$) سهم سایر متغیرهای توضیحی را برای تشریح متغیر وابسته در الگوها کمتر از ۵ درصد برآورد می‌کند که این موضوع نیز عدم ضرورت به وارد کردن متغیرهای توضیحی بیشتر را در الگوها تأیید می‌کند.

با استفاده از الگوی فوق فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران برای دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۸ مورد آزمون قرار می‌گیرند:^(۱۵)

۱- بین درجه استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم، کسری بودجه و مالیات توری در کشورهای در حال توسعه (شامل ایران) رابطه منفی وجود دارد.

۲- بین درجه استقلال بانک مرکزی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه (شامل ایران) رابطه مثبت وجود دارد.

۴- برآورد الگو، آزمون فرضیه‌ها و نتایج

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از برآورد الگوهای مورد بررسی در زمینه رابطه بین متغیرهای عمده عملکرد اقتصاد کلان و شاخص استقلال بانک مرکزی (قانونی) در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) را با استفاده از روش حداقل مربعات وزنی که در آن متغیر وابسته به عنوان وزن استفاده شده است، نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. نتایج برآورد الگوهایی رابطه متغیرهای عمده اقتصاد کلان با استقلال^(۱۶)
بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه (۱۹۹۰-۱۹۹۸)

معادله	متغیر وابسته y	عدد ثابت	ضریب x (استقلال قانون)	R ^۲
(۱)	متوسط نرخ تورم	۱۰/۹ (۱۶/۵)	-۱۵/۶ (-۷/۱۳)	۰/۹۵
(۲)	مازاد بودجه	-۱/۰۴ (-۲/۹)	۲/۷ (۲/۸)	۰/۹۷
(۳)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	-۰/۱۸ (-۱/۸)	۱/۰۳ (۳/۹)	۰/۷۹
(۴)	مالیات تورمی ^(۱۷)	۰/۷۷ (۸/۸)	-۰/۵ (-۱/۲)	۰/۹۵

* اعداد داخل پرانتز آماره t می‌باشد.

نتایج مربوط به برآورد معادله (۱) در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی افزایش استقلال می‌تواند نرخ تورم را کاهش دهد. برآورد معادله (۲) نشان می‌دهد که میان مازاد بودجه و استقلال بانک مرکزی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در واقع الگو نشان می‌دهد که افزایش استقلال می‌تواند در کاهش کسری بودجه مؤثر باشد.

استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در ۱۲۴

برآورد الگوی (۳) نشان می‌دهد که بین استقلال بانک مرکزی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است و در واقع الگو مؤید تأثیرات مثبت افزایش درجه استقلال بر رشد تولید می‌باشد.

سرانجام نتایج برآورد معادله (۴) نیز حکایت از وجود رابطه منفی بین استقلال بانک مرکزی و مالیات تورمی دارد. به عبارت دیگر با وجودی که علامت منفی در مورد ضریب متغیر استقلال بانک مرکزی با فرضیه (۱) تحقیق سازگار است، اما این پارامتر در سطح ۵٪ معنی‌دار نمی‌باشد.^(۱۸)

یافته‌های تحقیق حاضر با توجه به دوره زمانی و کشورهای مورد بررسی استوار است و در زمینه تعمیم آنها به سایر کشورها و یا دوره‌های زمانی دیگر لازم است با احتیاط برخورد شود. در مجموع نتایج این تحقیق حاکی از آن است که علی‌رغم وجود تردیدهای فراوان در موضوعیت یافتن مسأله استقلال بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه، می‌توان گفت که وجود یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند به کاهش کسری بودجه و نرخ تورم کمک کند و از آثار نامطلوب مالیات تورمی بکاهد و بازتاب مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که موضوع استقلال بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه توجه قرار گیرد.

پی‌نوشتها

۱- برای بررسی بیشتر رجوع شود به:

Swinburne, Mark; Castello – Branco, Marta; “Central Bank Independence: Issues and Experience”, IMF Working Papers, June 1991, PP. 1-37.

۲- برای بررسی بیشتر رجوع کنید به:

Hutchison, M.M and Walsh, C.E; “The Output – Inflation Trade off and Central Bank Reform : Evidence from Newzealand”. The Economic Journal, 108 (May 1998); PP. 103-125.

۳- برای رسیدن به سطح استقلالی که توسط پیمان ماستریخت توصیه شده است، بانک مرکزی باید از دستورگیری از دولت بپرهیزد. دوره ریاست بانک مرکزی باید حداقل پنج سال باشد، هرچند قابل تجدید است. به علاوه بانک مرکزی باید از خرید اوراق قرضه دولتی به طور مستقیم (به عبارتی ورود در بازار اولیه) و از تهیه تسهیلات اعتباری به دولت بپرهیزد. برای مطالعات بیشتر رجوع شود به: بانک مرکزی ایران، گزارشهای پیمان اتحادیه پولی اروپا (۱۹۹۲).

۴- روگف در مدل خود نشان می‌دهد که انتخاب یک بانکدار محافظه‌کار که در تابع زیان خود وزن زیادی برای تثبیت تورم قائل است منجر به رشد تورمی کمتری خواهد شد و برای جامعه بهینه است. برای بررسی بیشتر رجوع شود به:

Eijffinger, Sylvester and Hoerberichts, Marco. “The Tradeoff Between Central Bank Independence and Conservativeness”, Oxford Economic Papers, No 50, (1998), PP. 367-411.

5- Lender of Last Resort

۶- بررسی نشان می‌دهد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) حدود پنج درصد از کسری خود را از منابع داخلی غیربانکی تأمین می‌کنند در حالی که کشورهای در حال توسعه فقط حدود ۸ درصد از کسری خود را از منابع داخلی غیربانکی تأمین می‌نمایند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Fry, Maxwell. “Assessing Central Bank Independence in Developing Countries: Do Actions Speak Louder Than Words?”, Oxford Economic Papers, No. 50, (1998), PP. 512-29.

7- SIGNIORAGE

۸- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: احمد جعفری صمیمی، "بررسی اهمیت و مالیات تورمی در ایران"، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۵۰، سال ۱۳۷۶.

۹- این موضوع از دهه ۱۳۶۰ در کشور ما رایج گشته است. برای توضیح بیشتر در این زمینه و همچنین اثرات استقلال بانک مرکزی رجوع شود به:

محمدحسین عادل، "درآمدی بر استقلال بانک مرکزی مجله روند"، پاییز ۱۳۶۸. هوشنگ شجری و محمد کمالزاده، "استقلال بانک مرکزی و امکان اجرای سیاستهای ضدتورمی" ارائه شده در پنجمین کنفرانس سیاستهای ضد تورمی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی تهران، اردیبهشت ۱۳۷۴.

10- International Financial Statistics (IFS) Yearbook (1998).

۱۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Pollard, Patricia S. "Central Bank Independence and Economic Performance", Federal Reserve Bank of St. Louis Review, Vol. 75, No. 4 (1993) PP. 21-36.

۱۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Cukierman, Alex and Webb, Steven and Neyapti, Blin, "Measuring the Independence of Central Bank and Its Effect on Policy Outcome"; The World Bank Economic Review, Vol. 6, No. 3 (1992), PP. 353-98.

لازم به توضیح است همان طوری که در متن مقاله اشاره شده است در تحقیق حاضر شاخص اندازه گیری درجه استقلال قانونی بانک مرکزی براساس روش و اطلاعات ارائه شده توسط کوکرمن و همکارانش (۱۹۹۲) استفاده شده است. در این روش همان طوری که بیان گردید چهار گروه از متغیرها مورد توجه قرار گرفته اند. در مورد متغیرهای گروه "الف" این طور بیان شده است که هرچه مدت قانونی طول خدمت بالاترین مسئول اجرایی بانک مرکزی بیشتر و قوه مجریه در نصب یا عزل رؤسای بانک قدرت قانونی کمتری داشته باشد در این صورت بانک از نظر استقلال از درجه بالاتری برخوردار خواهد بود. برای مثال در این زمینه چنانچه دوره ریاست بانک مرکزی بیش از هشت سال باشد امتیاز از ۱ و ۶ تا ۸ سال امتیاز ۰/۷۵، برای

پنج سال امتیاز ۰/۵ و در مورد چهار سال امتیاز ۰/۲۵ و کمتر از چهار سال امتیاز صفر در نظر گرفته شده است. همچنین در گروه "الف" علاوه بر موضوع دوره ریاست بانک مرکزی، عواملی از قبیل این که چه کسی رئیس بانک مرکزی را تعیین می‌کند، عزل رئیس بانک مرکزی چگونه صورت می‌گیرد، آیا رئیس بانک مرکزی ممکن است در سایر امور دولتی دارای پست اجرایی باشد نیز مورد توجه قرار گرفته و در هر دو مورد نیز مانند دوره ریاست بانک مرکزی امتیازهایی نیز بر پایه درجه استقلال داده شده است. در مجموع برای شدت اهمیت متغیرهای گروه "الف" وزن ۰/۲ تعیین شده است.

در مورد متغیرهای گروه "ب" امتیازهای اعطا شده براساس قدرت اتخاذ سیاست پولی بانک مرکزی و چگونگی استفاده از اختیارات خود در مقابل قوه مجریه در صورت بروز اختلاف، در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر هرچه در زمینه مسائل فوق بانک مرکزی قدرت بیشتری داشته باشد در این صورت از درجه استقلال بالاتری برخوردار خواهد بود. در این گروه عواملی از قبیل این که چه کسی تعیین‌کننده سیاست پولی می‌باشد، در زمان بروز اختلافات چه کسی تصمیم‌نهایی می‌گیرد و نقش بانک در فرایند بودجه دولت چگونه است نیز مورد توجه قرار گرفته و در هر مورد امتیازهایی نیز بر مبنای درجه استقلال بانک مرکزی اعطا شده است. اهمیت و وزن متغیرهای گروه "ب" ۰/۱۵ تعیین شده است.

در زمینه متغیرهای گروه سوم که در حقیقت موضوع اهداف نهایی بانک مرکزی را مورد بررسی قرار می‌دهد باید گفت که هرچه بانک بیشتر موظف به تأمین هدف کنترل تورم و تثبیت قیمت‌ها در اقتصاد باشد در این صورت بانک مرکزی از درجه استقلال بالاتری برخوردار خواهد بود. در عوض چنانچه اهداف فوق جزء وظایف بانک نباشد و یا این که اهداف دیگری نیز به عنوان وظایف بانک در نظر گرفته شود آنگاه درجه استقلال بانک مرکزی کمتر خواهد بود. اهمیت متغیرهای این گروه نیز در مجموع ۰/۱۵ تعیین شده است.

متغیرهای گروه چهارم در حقیقت به محدودیتهای قانونی در اعطای وام به بخش عمومی از جانب بانک مرکزی می‌پردازد. به عبارت دیگر هرچه بانک مرکزی به دنبال هدف ثبات قیمت‌ها یا محدود شدن در اعطای وام به بخش عمومی عملکرد مؤثری

داشته باشد در این صورت از درجه استقلال بالاتری برخوردار می‌باشد. در این زمینه عواملی از قبیل پیش‌پرداخت‌ها، اعطای وام به صورت اوراق قرضه، شرایط اعطای وام (سررسید، بهره و میزان) وام‌گیرندگان بالقوه از بانک مورد توجه قرار گرفته و امتیازهایی نیز با توجه به وضعیت استقلال بانک به آن داده شده است. اهمیت امتیازهای این گروه در مجموع ۰/۵ در نظر گرفته شده است. با توجه به این که در هر گروه امتیاز یک مربوط به بالاترین درجه استقلال و امتیاز صفر مربوط به کمترین درجه استقلال می‌باشد؛ در این صورت شاخص استقلال از میانگین موزون امتیازهای چهار گروه به دست آمده است.

لازم به توضیح است که چگونگی در نظر گرفتن چهار گروه متغیر و سهم و اهمیت هر یک از گروهها و امتیازهای اعطایی به اجزای تشکیل‌دهنده هر یک از آنها که توسط کوکرمن و همکاران ارائه شده و در مقاله حاضر از آن استفاده شده است، می‌تواند مورد نقد و بررسی مجدد قرار گیرد. برای مثال یکی از داوران محترم مقاله حاضر پیشنهاد نموده است که به جای چهار گروه می‌توان شش گروه را به شکل زیر برای محاسبه شاخص درجه استقلال بانک مرکزی مورد توجه قرار داد:

- ۱- نصب و عزل مدیران ارشد بانک مرکزی، انتخابی یا انتصابی بودن، وجود محدودیت برای انتخاب مدیران و برکناری آنان، انتصاب افراد غیردولتی برای احراز سمت‌ها، مجاز بودن دوره طولانی‌تر تصدی مدیران بانک مرکزی در مقایسه با دولت و موانع مربوط به انتصاب و عزل سریع ۲- حل و فصل اختلافات بین قوه اجرایی و بانک مرکزی ۳- استقلال بودجه‌ای بانک مرکزی ۴- استقراض دولت از بانک مرکزی ۵- اهداف قانونی و اساسنامه‌ای بانک مرکزی ۶- محدودیت‌های استفاده از ابزار سیاست پولی.

۱۳- لازم به توضیح است که براساس محاسبات محقق از ترازنامه سالانه سالهای ۱۳۳۷-۱۳۳۹ و قانون پولی و بانکی کشور در سالهای ۱۳۳۹، ۱۳۵۱ و ۱۳۶۲ این شاخص برای سالهای ۱۳۳۹-۱۳۵۶ برابر ۰/۴۷، طی سالهای ۱۳۵۶-۱۳۶۰ برابر با یک و برای سالهای ۱۳۶۰-۱۳۷۸ نیز ۰/۲۲ به دست آمده است که از نوسان بسیار شدیدی برخوردار می‌باشد که این امر با عملکرد واقعی بانک مرکزی چندان سازگاری ندارد. برای مثال نمی‌توان در دوره ۱۳۵۶-۱۳۶۰ بانک مرکزی ایران را

کاملاً مستقل و در عوض در دوره ۱۳۶۰-۱۳۷۸ تقریباً غیرمستقل تلقی کرد. این موضع همان طوری که در متن مقاله نیز اشاره شده است ابهامات و اشکالات موجود مربوط به شاخص مناسب اندازه‌گیری درجه استقلال بانک مرکزی را نشان می‌دهد.

۱۴- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پی‌نوشت شماره ۱۲ و مقاله زیر:

Sikken, Bernd Jan and Haan, Jakobde. (1998) "Budget Deficits, Monetization, and Central Bank Independence in Developing Countries". Oxford Economic Papers. No. 50, PP. 493-511.

۱۵- لازم به توضیح است که در مورد انتخاب تعداد کشورهای مورد استفاده در تحقیق حاضر، ما اطلاعات مربوط به کشور ایران را به کشورهای مورد مطالعه در تحقیقات کوکرمن اضافه کرده‌ایم تا بتوانیم از این طریق تفاوت احتمالی معنی‌دار بودن عملکرد ایران با سایر کشورهای نمونه را نیز مورد آزمون قرار دهیم. همچنین باید اضافه کرد که درجه توسعه نیافتگی کشورهای مورد بررسی در تحقیق حاضر با یکدیگر متفاوت می‌باشند. برای مثال کشورهایی مانند کره، پرتغال و یا چین از درجه توسعه یافتگی بالاتری برخوردار نباشد.

۱۶- شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی مدنظر قرار گرفته است. لازم به توضیح است که الگوهای فوق برای شاخص استقلال واقعی براساس نرخ جا به جایی رؤسای بانک مرکزی نیز برآورد شده است که نتایج آن در دوره مورد بررسی برای کشورهای فوق برخلاف جهت انتظار و همچنین عکس شاخص استقلال قانونی بوده است. بنابراین می‌توان گفت نرخ جا به جایی تقریب مناسبی برای استقلال واقعی بانک مرکزی تلقی نمی‌شود.

۱۷- در زمینه اندازه‌گیری شاخص مالیات تورمی فرمولهای مختلفی ارائه شده است که براساس تحقیقات انجام شده توسط یکی از نویسندگان مقاله حاضر بین تعاریف و روشهای گوناگون اندازه‌گیری مالیات تورمی ضریب همبستگی بسیار بالایی وجود داشته است. بنابراین تفاوت معنی‌داری بین این شاخص‌ها وجود نخواهد داشت. در تحقیق حاضر مالیات تورمی بر اساس تعریف بانک جهانی به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\text{مالیات تورمی} = M \left[\frac{P^*}{1 + P^*} \right]$$

استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در ۱۳۰

که در آن M متوسط حجم پول در ابتدای دوره و P^* نرخ تورم در هر دوره می‌باشد. در هر دوره‌ای که قیمت‌ها به اندازه P^* درصد افزایش می‌یابند، هر واحد پول به اندازه $\frac{P^*}{1+P^*}$ درصد از قدرت خرید خود را از دست می‌دهد (مانند این است که مالیات پرداخت شده است). برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به یادداشت شماره ۸.

۱۸- لازم به توضیح است که برای آزمون تفاوت معنی‌دار بودن رابطه بین استقلال بانک مرکزی با متغیرهای اقتصاد کلان فوق در کشورهای در حال توسعه با ایران، از متغیر مجازی استفاده شد که این متغیر در سطح ۵٪ معنی‌دار نبود. به عبارت دیگر اختلاف معنی‌داری بین نتایج الگوهای فوق در کشورهای در حال توسعه و ایران وجود ندارد.



منابع و مأخذ

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *ترازنامه سالانه*، سالهای ۱۳۳۹-۱۳۷۷.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *قانون پولی و بانکی کشور*، ۱۳۳۹.
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *قانون پولی و بانکی کشور*، ۱۳۵۱.
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *قانون پولی و بانکی کشور*، ۱۳۶۲.
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *گزارشات پیمان اتحادیه پولی اروپا (۱۹۹۲)*.
- ۶- جعفری صمیمی، احمد: *«بررسی اهمیت و مالیات تورمی در ایران»*، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۰، سال ۱۳۷۶.
- ۷- شجری، هوشنگ: *«استقلال بانک مرکزی و امکان اجرای سیاستهای ضد تورمی»*، محمد کمالزاد، ارائه شده در پنجمین کنفرانس سیاستهای ضد تورمی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۴.
- ۸- عادی، محمدحسین: *«درآمدی بر استقلال مرکزی»*، روند پاییز ۱۳۶۸.
- 9- Alesina, Alberto & Summers, Lawrence (1993). *“Central Bank Independence and Macroeconomic Performance: Some Comparative Evidence”*, Journal of Money Credit and Banking. Vol. 25, No. 2, PP. 151-62.
- 10- Cukierman, Alex and Webb, Steven and Neyapti, Blin (1992). *“Measuring the Independence of Central Banks and Its Effect on Policy Outcome”*. The World Bank Economic Review. Vol. 6, No. 3, PP. 353-98.
- 11- Eijffinger, Sylvester and Hoerberichts, Marco (1998). *“The Tradeoff Between Central Bank Independence and Conservativeness”*. Oxford Economic Papers. No 50; PP. 367-411.
- 12- Fry, Maxwell (1998). *“Assessing Central Bank Independence in Developing Countries: Do Actions Speak Louder Than Words?”*. Oxford Economic Papers. No. 50, PP. 512-29.
- 13- Hutchison, M. M. and Walsh, C.E (1998). *“The Output – Inflation Tradeoff and Central Bank Reform : Evidence from Newzealand”*. The Economic Journal. 108, PP. 703-25.
- 14- IMF, *International Financial Statistics Yearbook*, 1998.

- 15- IMF, (1991). *“Central Bank Independence: The Evolving Role of Central Banks”*.
- 16- Pollard, Patricia S. (1993). *“Central Bank Independence and Economic Performance”*. Federal Reserve Bank of St. Louis Review. Vol. 75, No. 4, PP. 21-36.
- 17- Sikken, Bernd Jan and Haan, Jakob de (1998). *“Budget Deficits, Monetization, and Central Bank Independence in Developing Countries”*. Oxford Economic Papers. No. 50, PP. 493-511.
- 18- Swinburne, Mark, Castello – Branco, Marta (1991). *“Central Bank Independence: Issues and Experience”*. IMF Working Papers. June.

